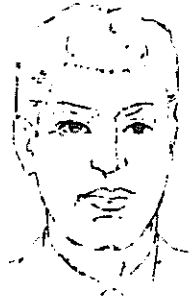


۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق ...

خون شهدای ۱۶ آذر پیام اتحاد ماست



صطفی بزرگ نیا



ناصر قدسی



شریعت رضوی

ایران و امپریالیسم پشتیبان وی را برانگیخته است. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ فرصت مناسبی بود تا ارتجاع گام کسینخته و امپریالیسم کینه ور و بیمناک از دانشجویان مبارز ایران انتقام بپزند و آرزوی دیرینه خود را با سرکوب جنبش دانشجویان عملی سازند. به خون کشیدن تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۳۲ - نخستین تجربه برای نیل به این هدف بود. بدیهی است که رژیم ضد خلقی کودتایه این ضربه حنایت آمیز اشغال نکرد. هجوم و ترس و درساها ی بعدی با انوا توشه تکمیل شد. دانشگاه های ایران عمده تحت نظارت سازمان امنیت قرار گرفت. به اشغال نظامی درآمد، کتابخانه های آن غارت شد، انجمن های دانشجویی منحل گردید، حقوق دانشجو و معرفت حسای خود را با تحم سر نیزه عور کرد.

دانشجویان دسته دسته اخراج شدند، زندانها و شکنجه گاهها را پر کردند، سربازخانه ها تسخیر گشتند، بارها دانشگاهها و دانشکده ها تهدید شدند، احتیاجاتان شریک از این تحقیرهاو بروتها صوبن نماندند. مرتدا هو صوبن پرستی یا عقوبتی سخت پاسخ داده شد. - و ایمان سیطره دوزخی خود را بر دانشگاهها گستراند. . . ولی اینکه سراز ۲۴ سال با قاطعیت می توان وقت که رژیم روز و اختناق در سرکوب دانشجویان و در توطئه های زنتارت، خود برای جلب رفرب ریاحتی بی طرف نگاه داشتن آن ها با شکست مواجه می شود شده است. جنبش بر توان والهام بخش دانشجو بی نه تنها در میان شکنجه گاهها و در ظنین لوله های سحر اعلان اقدام محو نشد نه تنها عبار شعیده نویها و دغز بازو ها، نه راه روشن و نایب آن رانیره نورد، بلکه هم در سطح وهم در امور نه گزاینده آستور دریافت.

... ترویج جنبش را در سطح می توان در تعدد و این سیره، ...

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق و شهید دانشجو، اسسال در شرایطی برگزار می شود که مابین ماهه دورانی توفانی و پرتلاطم گام نهاده است. ۱۶ آذر اینک تنها یک خاطره دور دست رزم و خون نیست، معاد روز و لحظه است. سستی است که هر روز جوان تری شود و آگاه تر و دلیر تر به مبارزه های رود تا تبدیل به عزم و نیرو شود. در آرمانهای خلقی بشکند. بیست و چهار سال پیش در جنبش روزی خون دو دانشجوی مبارز توده ای (صطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی) با خون شریک یک آزادیخواه ملو (احمد قدحی) در صحن دانشگاه به خاک ریخت و به هم پیوست. در این پیوند رمز و کلماتی بود که به تمامی مبارزان باقی می ماند. حال آنکه در یک آتش و در یک سنگرید، یکی شوید، از تن های بی شمار و حد از هم خود متن ستبر یکنه ای بسازید. بیروزی شمار در یکانگی شمامت.

و این صدای یواز رنج و عزم پسران ۲۴ سال نبود بر آنکه ما با دفاعیت بیشتر و ضرورت مقتدرتری در پهنای صوبن ما جنبش انداز است.

" دشمن ما در میان ماست، او خدای ماست. "

در این ۲۴ سال به برکت رژیم استبداد و سر نیزه خون دهها دانشجوی آزادیخواه در پای همان نهالی که از شیره جان بزرگ نیا و رضوی و قدحی نوشید، رنجیده شد. نهال ۱۶ آذر اینک در حنایتناوری است با ناسخسازان انبوه که بر شاخه آن دامن دامن شکوفه های خونین سرود می خوانند. به جای تحصیل نغای از ناخاره این جانهای شوریده و سوزان که در ریسای خلقی خود پرور شدند، به ارضیه معنوی آنان چشم بدو رژیم و از آن بیاموزیم. جمعیت تجربیا، این سالهای نون و جماعه و پیاده به تنها رساترین تبدیل، ه دیو است به درد ما و یامخی است به ندای غرور تی ه میدان خارجیه ای نبود عظیم خلقی ما آن را آوازی خوانند. . .

جنبش دانشجویی در راه تکامل

صلحت شد امپریالیستی و دموکراتیک جنبش دانشجویی ایران و سهم موثری که این جنبش در نهضت عمومی ضد امپریالیسم و دموکراتیک مردم ایران داراست. - شماره ششم و هجدهم ارتجاع

کنشده شدن قشرهای وسیع تری از دانشجویان به مبارزه در همگانی شدن بیکار در تمامی دانشگاهها و تظاهر گسترش در عمق را می توان از رشد آگاهی قشرهای هر چه انبوه تری از دانشجویان، در ثرفای خصلت ضد امپریالیستی و دموکراتیک مجموعه جنبش در یختگی شعارها، شیوه ها و اقدام ها دریافت . و این غنا و باروری انقلابی در شرایطی است که شدت و دامنه ترور و اختناق و تحقیر رژیم شاه - ساواک ایجاد بی سابقه ای به خود گرفته است . بررسی علل این تکامل است که می تواند جنبش دانشجویی را با زهم به سطح عالی تری ارتقا دهد.

رشد آگاهی دانشجویان

آگاهی دانشجویان نسبت به گذشته افزایش یافته و همچنان ریزه افزایش است . این واقعیت را در سه زمینه می توان مشاهده کرد :

۱- رژیم ، ترور پلیسی را با عوام نریبی و حتی اقدامات معین و فریبستی در آمیخته است . در رژیم آن است که از یک سو با تهدید و ارباب و از سوی با تحقیر و تطبیع ، دانشجویان را با به سوی خود جلب کند و با اقل ب سکوت وادارد . ولی رژیم در هر دو زمینه با شکست نهایی روبرو شده است . ترور پلیسی با وجود تلفات و قربانی های فراوانی که به بار آورده ، نتوانسته است مقاومت دانشجویان را در هم شکند و جنبش دانشجویی را سرکوب کند . ناپاوری به امراضات آتلی شاهانه در میان قشر ای هر چه وسیع تری از دانشجویان گسترش می یابد با نشان دادن سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک و ایران بر باد ده رژیم بیشتر از پیش می بزند و برای مبارزه با این سیاست هر روز آمادگی بیشتری نشان می دهند .

۲- جنبش دانشجویی در ایران بر انحرافات ، کجروی ها و اشتباهات درونی خود غلبه می کند . لذا در این رشد از جمله در توجه به مبارزه منفی و کزینت شعارهای مناسب منفی ، در بی تدان مبارزات منفی و سیاسی ، در انتخاب شعارهای مناسب سیاسی ، در تلفیق مبارزات منفی و مثبت ، در گسترش پیوند با توده های مردم ، در زکات برای تجد ساختن نیروهای ضد امپریالیستی و خد دیاتاتوری می توان مشاهده کرد .

۳- راه به اندیشه ای سوسیالیستی به افزایش است . این زایش را هم در سطح مردم در عمق می توان دریافت . در سطح به این معنی که سوسیالیسم به عنوان تنها راه واقعی برای نیل به حقوق بنیادی جامعه به سود رزمندگان برای ساختن جامعه ای آزاد و مستقر و فارغ از استثمار ، فقر و جهل از یاری خست ها ، روشهای هر چه انبوه تری از دانشجویان پذیرفته می شود .

پیونده مبارزات صنفی و سیاسی

پیوند مبارزات صنفی و سیاسی بگو از بغرنجی های هر جنبش بوده ای است . جنبش دانشجویان ایرانی نیز با این بغرنجی ها مواجه بوده و هست . اثر توجه داشته باشیم که جنبش دانشجویی ، به گونه هر جنبش بوده ای دیگر ، از افرادی با درجات مختلف از آگاهی سیاسی و اجتماعی و وابستگی های متفاوت سیاسی و ایدئولوژیک تشکیل شده ، آنگاه مسئله اصلی در این پیوند آن است که چگونه می توان اکثریت هر چه وسیع تری از دانشجویان را نه فقط به مبارزه در راه تحقق خواست های مشترک صنفی بلکه در عین حال به مبارز در راه خواست های مشترک سیاسی جلب کرد . به دیگر سخن ، چگونه می توان همان خصلت توده ای را که هر مبارزه صنفی در راست - و باید دارا باشد - در مبارزه سیاسی نیز حفظ کرد . و این البته آرسا دلی نیست .

حل درست و موفقیت آمیز این مسئله قبل از همه به سطح و درجه رشد مجموعه جنبش و به آگاهی ، اردانی و نیروی پیشاهنگ جنبش وابسته است . به «مین جهت در این زمینه اما ن بروز در انحراف و وجود دارد :

۱- انحراف راست از جانب کسانی که مبارزه صنفی را مطلق می کنند و خواهند جنبش دانشجویی را به مبارزه در راه خواست های صنفی محدود سازند .

۲- انحراف چپ از جانب کسانی که مبارزه سیاسی را مطلق می کنند و خواهند از جنبش دانشجویی حزب حاضر یا ایدئولوژی خاص سازند .

در این جا البته صحبت بر سر بروز اشتباه در این دو زمینه نیست ، که ممکن است در این با آن مورد معین از جانب مبارزان دانشجویی و حتی پیشاهنگ نیز روی دهد . مسئله بر سر برخورد اصولی به ما است ، حاصلت و وظایف جنبش دانشجویی است که ازین سیستم توری سرچشمه می آید . بر این شالوده است که مظهر انحراف راست معمولاً عناصر سازشکار یا وابستانان به رژیم اند و مظهر انحراف چپ ، عناصر رزرها های تندرو و چپ نما .

تا همین گذشته نزدیک حیدر روی در جنبش دانشجویان ایرانی انحراف عمده بود . این انحراف به طبع عمده ، به صورت تکی مبارزه صنفی و نفی استناد از امانات علیی و طرح آن شعارهای سیاسی که یا فقط پیشاهنگ را جلب می کرد و یا در لحظه مورد معین ، اما بلا نامناسب و نادرست بود ، روزی کرد . نتیجه این بود که اقدام محدود می ماند ، پیروزی راجتسی ، به دست نی آمد ، تلفات بیشتر از اندازه لازم می شد و گاه به رژیم برای سرکوب خشونت آمیز جنبش پیمانه می داد . . . ولی از جندی پیشیا منفرد شدن مناسم عناصر منحرف ، با تصحیح اشتباه عناصر اشتباه کارولی صادق و با حسن نیت ، با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته ، توجه به مبارزه

استفاده از امکانات قانونی و علفی و شرکت در سازمان های موجود ساخته یا تحت کنترل رژیم ، به عنوان این که کویا اینس رونر انظرفی نیست ، رد می شد ، ولی با علیه برچپ روی ها ، اینک به تدریج توجه به بهره گیری از امکانات قانونی و علفی و تلفیق مبارزه پنهانی و آشکار ، افزایش می یابد . توجه به این مسئله امکانات جدیدی را برای کستوش جنبش دانشجویی به وجود آورده و می آورد .

پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی

جنبش دانشجویی ، بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران است . در این واقعیت تردیدی نیست . ولی با تصدیق و تکرار این واقعیت ، مسئله حل نمی شود . جنبش دانشجویی فقط زمانی واقعا بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق های ایران است که با مبارزه صنفی و سیاسی خود به تقویت و پیشرفت این نبرد خلقی یاری رساند . و این تنها هنگامی میسر است که مبارزه صنفی و سیاسی جنبش دانشجویی با ضافع و صالح پیکار ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران منطبق باشد ، که جنبش دانشجویی از خواست ها و مبارزات سایر طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و دموکراتیک پشتیبانی کند و بتواند متقابلا پشتیبانی طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و دموکراتیک را از خواست ها و مبارزات خود جلب نماید . به دیگر سخن فقط حفظ و تحکیم و توسعه پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی است که می تواند هم برای حفظ و تعمیق خصلت پیکار جوانه و انقلابی جنبش دانشجویی و هم برای پیروزی مبارزه صنفی و سیاسی آن ، تضمین جدی و واقعی باشد . علاوه بر این اگر درست است که تاخیر رهبری طبقه کارگر در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک ، پشتوانه ظفر نهایی و قطعی جنبش و تعیین کننده تکامل آتی جنبش به سوی سوسیالیسم است ، آنگاه جنبش دانشجویی نیز به عنوان بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باید رهبری طبقه کارگر را بپذیرد و برای تحکیم پیوند با جنبش کارگری بکوشد .

در گذشته ضمن این که در لزوم پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی ابراز تردید نمی شد ، بروز برخی پدیده های انحرافی صنفی و ناسالیم ، عیلا این پیوند را در خطوط مستقیم و کسنگی قرار می داد . طرح شعارها و دست زدن به اقداماتی که نمیتوانست پشتیبانی خلقی را جلب کند و اصولا عدم توجه کافی به جلب حمایت مادی و معنوی خلق از جنبش دانشجویی ، عدم توجه کافی به پشتیبانی علفی از مبارزات طبقات و قشرهای مختلف مردم انراق در "رسالت تاریخی" جنبش دانشجویی تا حد نفی نقش رهبری طبقه کارگر ، از جمله نمود های عوامل بروز این خطری بود . اما نیرو و روشناسی تجربه ، اثرات شکست انگیز پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلقی را نشان داد . بهترین جلوه این واقعیت اعتصابات و تظاهرات چند روزه در تهران به سال ۳۴۸۸ علیه کرانی بلیت اتوبوس و در هفته های اخیر حمایت توده ای از شعارها و مبارزات دانشجویی و پیوستن مردم و

آگاهان توده های دانشجویی ، به نشان دادن آن ها به مبارزات اجتماعی و به تشکل آنها کمک می کند . آنها در می یابند که چگونه مبارزه صنفی ، در شرایط ترور و اختناق می تواند به سرعت به مبارزه سیاسی تبدیل شود و تبدیل هم می شود . آن ها پیش از پیش لحظه مناسب را برای طرح شعارهای سیاسی مناسب و تلفیق آن با شعارهای صنفی مناسب می گزینند و از آن با مهارت بهره می گیرند . پیوند دادن اعتراض به خرید اسلحه از آمریکا و بند و بست با کسرسیموم غارتگر ، با خواست لغو حق ثبت نام در کنگور های عمومی و اختصاصی ، اعتراض به شهریه های سرسام آور و طرد عمال سازمان امنیت و گارد از ساحات دانشگاه در سالهای پیش ، و اعتراض به انحلال انجمن ها و تعاونی ها و کتابخانه های دانشجویی و آمیختن آن با خواست های توده ای آزادی قلم ، و اجتماعات و محکومیت خود کاملی استنداد و آزادی زندانیان سیاسی در سال جاری انعکاس از این واقعیت است .

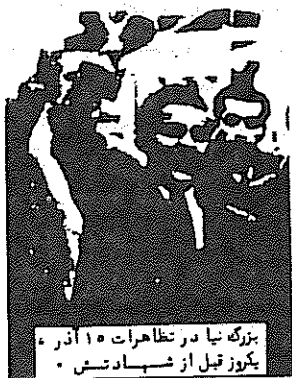
درستی و ثمر بخشی چنین روشی را در گسترش جنبش دانشجویی در مبارزه به خاطر خواستها و نظایر آن می توان مشاهده کرد .

تلفیق مبارزات صنفی و علفی

در شرایط ترور و اختناق ضرورت وجود سازمانهای صنفی ، حتی است . بدون سازمان صنفی هیچ مبارزه ای از پیش نمیرود . در همان حال استفاده از امکانات قانونی و علفی برای پیشبرد مبارزه نیز تردید ناپذیر است ، چرا که بی این بهره گیری ، امکان تعارض با توده ها ، امکان تجهیز و تشکل و به مبارزه کشاندن توده ها به حداقل تقلیل می یابد . و این مانع گسترش مبارزه است . نکته دیگر این که در شرایط ترور و اختناق ، سازمان های صنفی علو الاصول سازمان های سیاسی هستند . بوهان این امر ، سلب فعالیت علفی این سازمانهاست . اما سازمان های توده ای باید علفی باشند ، چرا که در غیر این صورت گستره و خصلت توده ای خود را از دست می دهند . آزمون های بی شمار به اثبات رسانده است که رژیم ترور و اختناق حتی فعالیت علفی سازمان های توده ای دموکراتیک را که لبه های تیز آن سائید شده ، تحمل نمی کند . چه بسا که این رژیم وسیع و ترسان ، هرگز فعالیت علفی را مضع و کند (مانند سالهای پسر از کودتای ۲۸ مرداد) و در اوضاع و احوالی که مجبور می شود ، فقط به سازمان های توده ای ساخته خود و یا تحت کنترل خود اجازه فعالیت علفی می دهد (مانند وضع کنونی) . در چنین شرایطی و وظیفه سازمانهای سیاسی صنفی و مبارزان انقلابی است که در عین مبارزه برای تشکیل سازمانهای توده ای علفی ، در سازمان های موجود ، ولو آن که ساخته رژیم و یا تحت کنترل آن باشند ، فعالانه شرکت کنند و از تمامی امکانات این سازمانها برای دفاع از ضافع توده ها ، برای آگاه ساختن آن ها ، برای تجهیز و تشکل آنها و برای جلب آنان به فعالیت انقلابی استفاده کنند .

در جنبش دانشجویی ایران در گذشته ای نه چندان دوره

با تئوری پلیسی، برای افشا عواضی های رژیم، برای غلبه بر موانع عینود هنی، برای از میان برداشتن تاج آثار پدیده ها، افکار و اعمال منفی در درون جنبش دانشجویی، هنوز نیاز به تلاش فراوان است، ولی آنچه در این مرحله امید انگیز و نیروبخش است، این که جنبش دانشجویی ایران، در پیج و خم صا رزه راه خود را به پیش می کشاید، هر روز توان بیشتری می گیرد و به سطح عالی تری ارتقا می یابد.



بزرگه نیا در تظاهرات ۱۵ آذر،
یکروز قبل از شهادتش.

دانشجویان در روند گسترده تظاهرات و اعتراضات خیابانی بود. این که تظاهرات اعتراضی علیه کرائی بلیت اتوبوس علی رغم تئوری پلیسی پیروزشد و این که تظاهرات هفته های اخیر دانشگاه در پیوند با کوجه و بازار و در بر تو شمار های ضربه و مناسبت روز، که دامنه بی سابقه و شور انگیزی یافتند است، دلیل محکم بر تأیید این واقعیت است که در برابر جنبش همگانی و متحد خلق، هیچ نیروی قادر به مقاومت نیست. بر بنیاد همین آزمون عاویانغلبه بر پدیده های منفی است که پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق بیشتر از پیش تحکیم می یابد و دو رنمای ستیزه و پیام های همه گیر و انقلابی خلق نزدیک تر و روشن تر می شود.

اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری

تشت فکری و تفرقه سازمانی بین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، در جنبش دانشجویی نیز بازتاب یافته است. و جز این گیر و گریزی نیست. چه بسا - به دلایلی معین - این تشتت و نفاق در جنبش دانشجویی آشکارتر و شدید تر عیان می شود. آن عواطفی که در بروز این تشتت و پراکندگی و حفظ آن دخالت دارند، یعنی ضعف عمومی جنبش، ضعف عمومی حزب طبقه کارگر، ضعف عمومی سازمانهای اپوزیسیون غیر پرولتری، فقدان آزادی های دموکراتیک، فعالیت نفاق افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم و ارتجاع، آنتی کمونیسم و غیره، در جنبش دانشجویی هم درست اند و رکارند.

این که این تفرقه و فاصله و ناسازگاری تا چه حد برای جنبش دانشجویی زیان بخش است - و تاکنون چه لطامتی به آن زده است - و این که شرط اساسی هر موفقیت و پیشرفت واقعی، تأمین اتحاد تمامی نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در جنبش دانشجویی است، نیازی به تأکید ندارد. در برخورد با این واقعیت است که تلاش باید بخشی از جانب صا ران صریح و آگاه دانشجویی برای تأمین اتحاد در داخل نهضت دانشجویی صورت می گیرد. و اگر درست است که پدیده مثبت و منفی در یک بخش از جنبش می توانند به بخش های دیگر جنبش نیز منتقل شود، آن وقت تلاش برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در داخل جنبش دانشجویی و موفقیت در این زمینه می تواند منشا آثار مثبت و حاصلخیز در سایر بخش ها و در مجموعه جنبش خلقهای ایران گردد.

دشمن مردم حمله گر و قسی و پستیبانان آن آزمند
وزور مندند. تنها بازوهای متحد همه مخالفان
بژیم می تواند چنین دشمنی را در هم شکند.
تفرقه نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی بهترین
«ارمغان» به این رژیم است. در راه وحدت
عمل همه نیروها و عناصر ضد رژیم از هیچ
کوشش و نرزشی دریغ نکنیم.
همکاری همه نیروهای ضد دیکتاتوری
در یک جبهه واحد تحت شعار سرنگونی
استبداد و رژیم تصور و اختناق تشدید
اشکال مختلف و تمر بخش مبارزه انقلابی
چنین است مسامحات ضرور برای پیشرفت
و پیروزی جنبش ضد استبدادی در سپهر ما.

جنبش دانشجویی راه خود را می گشاید

بر شالوده این بورسی اختصاری، می توان به بازگویی این نتیجه پرداخت که جنبش دانشجویی ایران به رغم تئوری پلیسی و عواضی های رژیم شاه - ساواک، و با وجود مشکلات عینی و ذهنی که در برابر خود داشته و دارد، گسترش یابد و وارد مرحله کیفی نوینی می شود. روشن است که برای مقابله

